

مبانی تفسیر اجتماعی قرآن کریم

حجت‌الاسلام دکتر سید رضا مؤدب * (عضو هیئت علمی دانشگاه قم)
حجت‌الاسلام مجتبی روحانی زاده * (دانشجوی دکتری جامعه المصطفی العالمیه)

چکیده

یکی از تحولات بسیار مهم قرآن‌پژوهی در دوران معاصر، پیدایش گرایش تفسیر اجتماعی است که در آن، مفسران به پیام‌های اجتماعی قرآن کریم می‌اندیشند. این گرایش جدید تفسیری بر آن است تا آموزه‌های اجتماعی قرآن را در متن زندگی مردم قرار دهد و ویژگی مهم آن، ایجاد تحول در تفسیر قرآن از فردگرایی به جمع‌اندیشی و تحلیل سرنوشت کلی جامعه مسلمانان است.

در نوشتار حاضر، ابتدا پیشینه و چیستی اجتماعی، شرایط و ویژگی‌های مفسر گرایش اجتماعی قرآن مطرح گردیده و سپس کوشش شده یک بخش از این گرایش یعنی مبانی تفسیر اجتماعی قرآن کریم تبیین شود. منظور از مبانی، اصول و پایه‌هایی است که بر اساس اصول و پیش‌فرض‌های آن، از پیام‌های قرآن پرده‌برداری انجام می‌گیرد. این گرایش تفسیری، افزون بر مبانی عام تفسیر، مبانی خاص تفسیر اجتماعی نیز دارد امکان تفسیر علمی قرآن؛ امکان استخراج قوانین جامعه‌شناختی از قرآن کریم در دو بخش تاریخی و اجتماعی؛ امکان ترسیم و تعیین اصول و قواعد نظام اجتماعی مطلوب از نگاه قرآن کریم؛ وجود و

امکان شناسایی مفاهیم، محورها و گزاره‌های همسو و ناظر به مباحث اجتماعی و همچنین توجه به تجربه‌های بشری در فهم و انسجام و وحدت در پیام‌های قرآن را می‌توان از مبانی خاص این گرایش جدید تفسیری داشت.

کلید واژگان: قرآن، تفسیر، تفسیر اجتماعی، مبانی تفسیر اجتماعی

مقدمه

از تحولات بسیار مهم قرآن پژوهی دوره معاصر، پیدایش مکتب تفسیر اجتماعی است. در این تحول، مفسران به پیام‌های اجتماعی قرآن کریم می‌اندیشیدند. این نهضت جدید تفسیری بر آن است که آموزه‌های اجتماعی دین را در متن زندگی مردم قرار دهد و با آنچه باعث انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان شده، مبارزه کند. ویژگی مهم این گرایش ایجاد تحول در تفسیر قرآن از فردگرایی به جمع‌اندیشی و تحلیل سرنوشت کلی جامعه مسلمانان است.

یکی از آثار این حرکت، مبارزه با خرافات و عقایدِ سخیف و غلوآمیز و بازبینی در اندیشه سنتی دینی در حوزه‌های مختلف، به ویژه چالش‌های حیات اجتماعی و امور جدید مانند مبارزه با استبداد، برقراری عدالت اجتماعی و دفاع از بازگشت زنان به عرصه اجتماع بود. تفسیرهای گوناگونی در این زمینه به نگارش درآمده و امروزه کم‌تر تفسیری دیده می‌شود که متأثر از این جریان نباشد. قرآن کریم چشمه جوشان معارف الهی و سفره‌ای پر نعمت و گشوده شده به روی بشریت است و تا فرجام جهان برنامه زندگی انسان است. استفاده از این آب حیات، مبانی و قواعد خاصی دارد و آمادگی‌های ویژه‌ای را طلب می‌کند تا انسان بتواند با تدبیر در آیات آن به راه سعادت رهنمون شود. در نوشتار حاضر کوشش شده یک بخش از این گرایش یعنی مبانی تفسیر اجتماعی قرآن کریم تبیین شود.

مفهوم‌شناسی

مبانی

تفسیر قرآن کریم دانشی مستقل است که همچون هر دانش دیگری دارای مباحث مقدماتی از قبیل تعریف، هدف، مبانی، روش و... است. در توضیح مبانی تفسیر این‌طور می‌شود گفت که «مبانی تفسیر، یعنی مبادی تصویری و تصدیقی تفسیر که آگاهی از آنها و تعریف و انتخاب مبنا در مورد آنها، قبل از تفسیر برای مفسر لازم است که شامل مباحثی همچون مفهوم‌شناسی تفسیر، تأویل، بطن، منابع، شرایط مفسر، پیش‌فرض‌ها و ضوابط تفسیر معتبر می‌شود» (رضایی اصفهانی، منطلق تفسیر قرآن (۱)، ص ۱۷).

کلمه مبانی در لغت به معنی اساس، بنیاد و بنیان یک شیء است (معین، فرهنگ فارسی، ۳۷۷).
به عبارت دیگر، مبانی در هر علم، پایه‌ها و بسترها و ساحت‌های زیرین آن علم است و در خصوص تفسیر، مبانی عبارت است از باورها و اصول پذیرفته شده و مسلم مفسران که در فرایند تفسیر آنان ایفای نقش می‌کند و پذیرش اثباتی یا نفی آنها سبب رویکردی خاص در تفسیر می‌گردد. مبانی تفسیر همواره به عنوان پیش‌فرض‌ها و مطالب پذیرفته شده و پشت صحنه تفسیر مطرح هستند. مبانی نزد مفسران متفاوت است و بدین جهت، اختلاف در تفسیر را به همراه می‌آورد. از مبانی به پیش‌فرض‌های بنیادین هم تعبیر شده است. مبانی تفسیر با اصول تفسیر نیز یکسان و مترادف هستند و مقصود از آن، اصول مسلم یا اساس و پایه‌های فکری مفسر است که در جریان تفسیر همواره بدان نظر دارد (مؤدب، مبانی تفسیر قرآن، ۲۸). مبانی تفسیر اجتماعی در یک تقسیم به مبانی عام و مبانی خاص تقسیم می‌شود:

۱. مبانی عام تفسیر اجتماعی

۱-۱. امکان و جواز تفسیر

از مبانی عام تفسیر اجتماعی پذیرش امکان و جواز تفسیر با توجه به گرایش‌های مفسر است. از ادله متعددی از جمله ادله درون قرآنی مانند مجموعه آیات دعوت کننده به تدبیر (نساء/۸۲؛ محمد/۲۴)، تفکر (نحل/۴۴ و ۶۹؛ آل عمران/۱۹۱؛ یونس/۲۴؛ رعد/۳؛ روم/۲۱؛ زمر/۴۲؛ جاثیه/۱۳) تحدی (بقره/۲۳؛ یونس/۳۸؛ هود/۱۳) و همچنین آیات بیانگر وجود متشابهات در قرآن (آل عمران/۷) و اینکه قرآن «تبیان کلّ شیء» است (نحل/۸۹) شواهدی مؤثر بر این گرایش تفسیری است.

۲-۱. جامعیت و جاودانگی قرآن کریم

خداوند حکیم دو ویژگی در قرآن کریم نهاده که باعث توانمندی آن برای پاسخگویی به نیازهای معنوی بشر در تمام طول تاریخ شده است. اول آنکه تمام معارف کلی لازم را برای اندیشه و ایمان بشر در قرآن قرار داده تا اندیشه‌ور بر اساس آن آموزه‌های کلیدی، جهان بینی کاملی را تدوین نماید و بر اساس آن بنیاد معرفتی ساختمان عقاید کامل را بنیان

نهند. دوم آنکه خود خداوند مسئولیت حفاظت و صیانت قرآن کریم را به عهده گرفته تا جامعه بشری بر اثر تحریف و نابود شدن بخش‌هایی از آن دچار محرومیت معرفتی و دینی نگردد (زمانی، مستشرقان و قرآن، ۲۱۳).

از شواهد دال بر جامعیت قرآن، وجود ظاهر و باطن در قرآن کریم است که به خوبی گویای توانایی قرآن کریم در تحلیل مسائل روز و جدید است.

۳-۱. ممنوعیت تفسیر به رأی

الهی بودن، محکم بودن و قیم بودن قرآن کریم اقتضا می‌کند از دستبرد اندیشه‌های غیر ناب، برداشت‌های ناصواب و غیر منطقی به دور باشد. نفی تفسیر به رأی مصونیتی برای مفسر و منطقی کردن شیوه‌ها و برداشت‌های ما از آن است.

۲. مبانی خاص تفسیر اجتماعی

۱-۲. امکان تفسیر علمی قرآن

پس از اینکه امکان تفسیر و جواز آن به عنوان مبنا پذیرفته شد و از طرفی ممنوعیت تفسیر به رأی نیز از حریم قرآن کریم محافظت نمود، به نظر می‌رسد انحصار برداشت از قرآن کریم در یک حوزه و گروه خاص، امری غیر منطقی و مخالف با اهداف قرآن کریم است. نیم‌نگاهی به اشارات علمی قرآن، با موضوعات مختلف علمی که روشن‌گر در عرصه بهره‌مندی از آن در برابر مدعیان اصلاحات در جامعه بشری است، تفسیر علمی قرآن کریم را ممکن و بلکه لازم و ضروری می‌نماید (آقایی، روش‌شناسی تفسیر اجتماعی، ۲۸).

۲-۲. امکان استخراج قوانین جامعه‌شناختی در دو بخش تاریخی و اجتماعی از قرآن کریم

به طور قطع، قرآن کریم کتاب سرگذشت‌ها نیست بلکه کتابی است که بر اساس یافته‌های صحیح می‌تواند تبیین‌کننده نظام‌های مختلف در عرصه زندگی بشری باشد. تأملی در فلسفه بیان قصص با نگاهی ژرف، حکایت از یک ظرافت خاص یعنی عبرت‌آموزی از سرگذشت‌ها دارد. تأییدهای قرآن در این زمینه بسیار است (ر.ک: رعد/۱۱؛ آل‌عمران/۱۳۷؛ انبیاء/۱۰۵).

۲-۳. امکان ترسیم و تعیین اصول و قواعد نظام اجتماعی مطلوب از نگاه قرآن کریم

این مبنا به دلیل جایگاه آن در حیات بشری و تناسب آن با آرمان‌گرایی در تمام ادیان از جمله دین اسلام، زمینه بهره‌مندی از قرآن کریم در مسائل اجتماعی و حیات جمعی بشری را بیشتر می‌کند و آن را اصولی‌تر می‌نماید. تأملی در شعارهای محوری قرآن کریم در مورد جامعه سالم از قبیل عدالت، آزادی، برابری و مساوات، شاهدی زنده بر توان قرآن کریم در ارزیابی چنین آینده‌ای است.

۲-۴. وجود و امکان شناسایی مفاهیم، محورها و گزاره‌های ناظر به مباحث اجتماعی

زمینه بهره‌مندی و تفسیر اجتماعی از قرآن را فراهم می‌سازد. امروزه با مراجعه به ظواهر قرآن، بسیاری از محورها و مفاهیم در حوزه مبانی جامعه‌شناسی و موضوعات تخصصی در این وادی قابل شناسایی است که ضمن اصلاح مبانی این علم، زمینه آشنایی با انسان و جامعه را در ابعاد گسترده‌تری فراهم می‌سازد؛ برای مثال، می‌توان مباحثی از قبیل چیستی جامعه، عوامل عمده در زیست اجتماعی، ماهیت اصلی جوامع، اصالت و محوریت فرد یا جامعه را از آیات قرآنی استخراج نمود (همان، ۲۹ و ۳۰).

تفسیر اجتماعی

این مبنا به طور خلاصه می‌توان از تفسیر اجتماعی به استخدام علم جامعه‌شناسی برای تفسیر قرآن نام برد. در این گونه از تفسیر، مفسر به پیام‌های اجتماعی قرآن کریم می‌اندیشد. این نهضت جدید تفسیری بر آن است تا آموزه‌های اجتماعی دین را در متن زندگی مردم قرار دهد و با آنچه باعث انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان شده، مبارزه کند. ویژگی مهم این گرایش، ایجاد تحول در تفسیر قرآن از فردگرایی به جمع‌اندیشی و تحلیل سرنوشت کلی جامعه مسلمانان است. در تفسیر اجتماعی قرآن موارد زیر مورد توجه قرار دارد:

۱. استخدام علوم اجتماعی برای توضیح آیات قرآن؛

۲. توجه به بعد اجتماعی قرآن در بیان نکات تفسیری؛

۳. تبیین آموزه‌ها و پیام‌های اجتماعی قرآن؛

۴. بهره‌جویی از آیات قرآن برای جهت‌دهی به مبانی علوم انسانی؛

۵. نظریه‌پردازی‌های اجتماعی بر اساس آیات قرآن؛

۶. استنباط اهداف، مبانی و روش‌ها و در نهایت نظام اجتماعی از قرآن.

اهمیت بررسی گرایش تفسیر اجتماعی

بی‌تردید، گرایش تفسیر اجتماعی قوی‌ترین جریان معاصر تفسیری است و امروز کمتر مفسری دیده می‌شود که از این جریان تأثیر نپذیرفته باشد. اندک مقایسه‌ای میان تفاسیر عصری و تفاسیر ادوار گذشته، این واقعیت به خوبی روشن می‌نماید که مهم‌ترین ویژگی تفاسیر متأخر، اندیشه اجتماعی آنهاست. جریان تفسیر علمی، تفسیر خردگرایانه تجربی، دفاع از حقوق زن، روش تحلیل‌گرایی در تفسیر و تفسیرهای سیاسی و حرکت‌زا نمونه‌هایی از تفسیر اجتماعی هستند. لذا باید این پدیده و واقعیت را شناخت، به مقایسه و ارزیابی مبانی و روش‌های تفسیری آن پرداخت و برجستگی‌ها و نقاط قوت و ضعف آن را بررسی و نقد کرد.

همچنین شکی نیست که برای برخورد با غرب و واکنش‌هایی از قبیل گریز و ستیز با دین، تفسیر اجتماعی می‌تواند به بخشی از شبهات فکری نسل جدید پاسخ دهد و نشان دهد که می‌توان در برابر این هجوم و جریان اسلام‌هراسی، به ارزش‌ها، معیارها و نگرش‌ها ایمان داشت و به نیازهای نسل جدید پاسخ داد. در این باره برخی نوشته‌اند: در برخورد با غرب و تعارض‌ها با تمدن غربی در عرصه دین و دنیا، مفسران اجتماعی، به قوی‌ترین رکن هویت تاریخی خود (قرآن) متوسل شدند و به قرآن روی آوردند تا گمشده خویش و خود گمشده را پیدا کنند و قرآن عروة الوثقی نهضت اصلاحی و سرچشمه کسب نیرو و نشاطی شد که بتوانند با غبار عادت و تحریف و خرافه و رکود و رخوت مبارزه نمایند و آن را از چهره دین و دنیای خود بزدايند (خرمشاهی، تفسیر و تفاسیر جدید، ۳۵).

پیشینه تفسیر اجتماعی قرآن کریم

نهضت بیداری جهان اسلام در سده چهاردهم و پانزدهم قمری، همراه با داعیه بازگشت به قرآن و تلاش‌های فراوان برای نگارش و ارایه تفسیرهای جدید قرآنی برای مخاطبان، فرصت و فضای دیگری در عرصه قرآن‌پژوهی به وجود آورد که با نوفهمی‌هایی از قرآن،

اولاً ایمان، شوق و حیات تازه‌ای از معارف دینی پدید آورد و ثانیاً اصول فکری و آرمان‌هایی نو بنیان گذارد که در سایه آن زندگی اجتماعی و سیاسی - فرهنگی دیگری را برای مسلمانان ارایه می‌داد. بر این اساس، نهضت فراگیر اصلاح اجتماعی و احیای دینی و نقد اندیشه دینی و مبارزه با بدفهمی‌ها شکل گرفت. اولین گام مؤثر در این زمینه از سوی سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۵۴-۱۳۱۴ق) و شاگردش شیخ محمد عبده (۱۲۶۶-۱۳۲۶ق) با تأسیس مکتب تفسیری خاص برداشته شد.

این نهضت جدید تفسیری بر آن بود که به جای تأکید بر ابعاد صوری و ادبی و مباحث آکادمیک در کتاب مقدس، به راه‌حل‌های زندگی توجه کند و آموزه‌های دینی را در متن زندگی مردم قرار دهد و با آنچه باعث انحطاط و عقب‌ماندگی آنان گشته مبارزه کند؛ از این‌رو، این حرکت، نقش مهمی در آگاهی بخشی اجتماعی مردم مسلمان و نیز خیزش و بیداری داشت و توسط مصلحان و به ویژه مفسران دیگر ادامه یافت و تحول ذهنی مسلمانان را فراهم ساخت؛ تحول از دیدگاه فردی به دین و آموزه‌های آن و به تعبیری دیگر، تحوّل از آخرت‌گرایی به دیدگاه اجتماعی و ارایه راه حل مشکلات مادی و معنوی مسلمانان و تغییر وضعیت ضعیف، فقیر، منحط و عقب‌افتاده آنان.

یکی از آثار این حرکت، مبارزه با رواج خرافات و وابستگی به عقاید سخیف و غلوآمیز بود که جایگاه واقعی دین را تضعیف می‌کند و آثار معنوی و منزلت دین را به چالش می‌کشد. نتیجه دیگر این حرکت، بازبینی در اندیشه سنتی دینی در حوزه‌های مختلف، به ویژه حیات اجتماعی، امور حقوقی و مسائل زنان بود.

پیش از این، مفسران با نگاهی فردگرایانه به پرده‌برداری از آیات می‌پرداختند و اگر دستورات و قوانین شریعت را از قرآن استخراج می‌کردند، فقط از این منظر می‌دیدند که وظیفه فرد چیست و چه باید بیندیشد و چه باید عمل کند، اما اینکه پیامد این آموزه‌ها چیست و شرایط اجتماعی چه اقتضایی دارد، در سطح کلان، جامعه و جهان چه می‌گذرد و وظیفه یک مسلمان در این شرایط چیست، چیزی نبود که در تفسیرشان بازتاب یافته باشد.

در حالیکه باید گفت قرآن کریم علاوه بر پرداختن به عقاید و احکام تکلیفی انسان، بسیاری از امور مربوط به زندگی اجتماعی بشر را بیان کرده است و این مسئله از گذشته‌های دور مدّ نظر مفسران بوده است، اما در قرون اخیر، با حرکت اجتماعی سید جمال‌الدین اسدآبادی در مصر، نگاهی نو به تعالیم قرآن و اسلام شکل گرفت و شاگرد او محمد عبده این نهضت را در گرایش تفسیر اجتماعی متبلور ساخت و تفسیر همچون المنار شکل گرفت. هرچند رشید رضا در المنار، در برخی موارد از اهداف سید جمال و عبده فاصله گرفته است، اما گرایش اجتماعی تفسیر، راه خود را ادامه داد و در مصر افرادی همچون شیخ احمد مصطفی مراغی (تفسیر مراغی) و سید قطب (فی ظلال القرآن) و در سوریه قاسمی (محاسن التأویل) و در ایران علامه طباطبایی (المیزان) و آیت‌الله مکارم شیرازی (تفسیر نمونه) و آیت‌الله طالقانی (پرتوی از قرآن) و در لبنان محمد جواد مغنیه (الکاشف) و علامه سید محمد حسین فضل‌الله (من وحی القرآن) این راه را ادامه داده‌اند (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۱)، ۳۴۷).

همچنین بزرگانی همچون شهید مطهری رحمته‌الله و شهید سید محمدباقر صدر رحمته‌الله نیز زمینه‌های فراوانی را در بهره‌مندی از قرآن کریم در عرصه‌های اجتماعی فراهم و تبیین نمودند؛ چنان‌که امام خمینی رحمته‌الله به گونه‌ای عملی و متأثر از مکتب اسلام ناب، قرآن را در صحنه زندگی اجتماعی مسلمانان احیاء کرد.

همچنین آثار متعددی از قبیل جامعه و تاریخ (مصباح یزدی)، جامعه انسانی از دیدگاه قرآن (شهید محمد باقر حکیم)، قرآن و عقاید اجتماعی (عزت‌الله رادمنش)، مدخل الی علم الاجتماع الاسلامی (یوسف شلمت)، بناء المجتمع الاسلامی ونظم ودراسته فی علم الاجتماع الاسلامی (نیل سمالوطی)، عناصر المجتمع فی القرآن‌الکریم (شهید محمد باقر صدر) و المجتمع بحوث فی المذهب الاجتماعی القرآنی (محمد عبدالجبار) در جهان عرب و ایران این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند (آقایی، روش‌شناسی تفسیر اجتماعی قرآن، ۱۲).

چیستی تفسیر اجتماعی

گرایش‌های تفسیر قرآن بر اساس باورها، افکار، جهت‌گیری‌ها، سبک پردازش، تخصص علمی و سلیقه‌های مفسران قرآن به شیوه‌های فرعی دیگری از جمله سبک‌های تفسیری (الوان تفسیر) تقسیم می‌شود. در توضیح این قسم می‌توان گفت مفسران قرآن بر اساس تخصص یا علاقه به یک علم یا مبحث خاص، در تفسیر به سوی همان مبحث یا علم رفته و مطالب مربوط به آن را در تفسیر خود بیشتر مطرح کرده‌اند؛ از این‌رو، گرایش‌ها و سبک‌های تفسیری متفاوتی به وجود آمده است. مانند گرایش‌ها و سبک‌های ادبی، فقهی، اجتماعی، عرفانی، اخلاقی و تاریخی و... (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر (۱)، ۳۳).

گرایش اجتماعی در تفسیر قرآن کریم را نیز می‌شود چنین شرح داد که قرآن کریم همان‌طور که به عقاید و احکام تکلیفی انسان می‌پردازد، بسیاری از مطالب مربوط به زندگی اجتماعی و فردی بشر را نیز بیان می‌کند. این بعد از قرآن، از دیرباز مورد توجه مفسران بوده و به تفسیر آیات مربوط به آن پرداخته‌اند. به طور کلی، مفسرانی که به این گرایش تفسیری روی آورده‌اند، به عناصر زیر توجه بیشتری کرده‌اند:

۱. به آیاتی از قرآن که مسائل اجتماعی را بیان می‌کند، بیشتر پرداخته‌اند.
۲. به مشکلات مسلمانان در عصر خویش توجه کرده و آیات قرآن را بر زندگی عصر خود تطبیق نموده و درمان مشکلات اجتماعی را در قرآن جستجو کرده‌اند.
۳. به آموزه‌های تربیتی و ارشادی قرآن توجه خاص داشته‌اند.
۴. به عقل و علوم تجربی قطعی در تفسیر قرآن اهمیت داده و از روش تفسیر عقلی و علمی استفاده کرده‌اند.
۵. در این گرایش، روحیه‌ای اجتماع‌گرایانه داشته و آیات قرآن و احکام اسلامی را از زاویه فردی ندیده‌اند (همان، ۳۴۸).

البته تفسیر اجتماعی از سوی این دسته از مفسران یا تفسیر پژوهان تعریف نشده است، اما با پژوهشی میدانی می‌توان به دو گونه از گرایش در این تفاسیر برخورد کرد:

۱. تفسیرهایی که بیشتر به نظریه پردازی قوانین اجتماعی قرآن می پردازند؛
 ۲. تفسیرهایی که به احکام اجتماعی توجه دارند.
- از این رو، مبنای شناسایی تفاسیر قرآن با گرایش اجتماعی، آثار و علایمی است که از این تفسیرها به دست آمده و مبنای تفاوت روشی مفسران آن شده است.

۱. نظریه پردازی قوانین اجتماعی

تفسیر اجتماعی تفسیر اصول، قوانین و احکام اجتماعی مستنبط از قرآن است. در این حرکت، مفسر اجتماعی در پی کشف این قوانین و احکام و سنن تاریخی است. وی از منظر طرح مباحث نظری مربوط به حیات جامعه به آیات چشم می دوزد و متناسب با این قلمرو، به دنبال تبیین مفاهیم و اصول آن است، که البته ناظر به ابعاد وجود اجتماعی انسان و تحولات پیرامونی و اهداف تربیتی و اصلاح حال جامعه و تشریح قوانین است. مفسر اجتماعی با چنین درکی جامع از نیازهای وجودی فردی و اجتماعی، در پی کشف مفاد سنت ها و ارائه راه حل مشکلات مسلمانان است (ایازی، المفسرون حیاتهم ومنهجهم، ۱/ ۷۱) از این تعریف می توان با عنوان «نظریه پردازی قوانین اجتماعی» در تفسیر نیز یاد کرد.

۲. تفسیر بر اساس دانش اجتماعی

تفسیر اجتماعی تفسیر خاص مسائل عینی جامعه است و در پی تبیین احکام خاص تاریخی و عینی عمومی از قرآن. در این تعریف، بر مبنای این نگرش که مفسر باید از دانش های اجتماعی آگاه باشد تا بتواند در حوزه احکام خاص سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن فهمی از این موضوعات داشته باشد، در تلاش برای ایجاد رابطه و همگونی بین هدف دینی و اهداف اجتماعی است. در تفسیر اجتماعی مفسر مسائل احکام مربوط به آن را بیان می کند. لذا می توان از تفسیر اجتماعی به تفسیر بر اساس علوم و احکام اجتماعی یاد کرد (ر.ک: ایازی، «اندیشه های اجتماعی در تفسیر المیزان»، بینات، ش ۳۴).

تفاوت دو برداشت از تفسیر اجتماعی

در اینجا این پرسش مطرح است که تفاوت تعریف نخست با تعریف دوم در چیست؟ به نظر می رسد تفاوت میان این دو تعریف در جهت گیری و نتیجه کار این جریان تفسیری

باشد؛ زیرا مفسران گرچه در هر دو تعریف، به بررسی اندیشه اجتماعی قرآن می‌پردازند و هیچ یک از دو جریان، وصف فردگرایانه ندارد، اما گاهی راه آنها از هم جدا می‌شود.

بر اساس تعریف اول؛

الف) تلاش و جدیت مفسر تنها در بررسی، شرح و تبیین مفاهیم اجتماعی قرآن، در کنار بیان معارف دینی با صبغه‌های فردگرایانه است.

ب) اساس گرایش مفسر، برجسته کردن قوانین اجتماعی قرآن و سپس تحلیل و دفاع کلامی از ارایه راه‌حل‌های تربیتی و اجتماعی و تقنینی آن است. همچنین به دنبال توافق و تجانس آموخته‌های قرآنی با نیازهای اجتماعی و همگونی دین و عقل، و دین و علم است. ج) مفسر با نگرش به زندگی و فراز و نشیب‌ها و دگرگونی‌های روحی و معنوی و مادی انسان، به سنن اجتماعی می‌پردازد. همچنین با بررسی علل قدرتمندی و ضعف، عزت و ذلت، علم و جهل، ایمان و کفر، و نیازهای حیات جامعه می‌کوشد مفاهیم اجتماعی قرآنی را برجسته کند و راه وصول به سعادت را هم از منظر فردی و هم از منظر اجتماعی از قرآن اخذ نماید و ارایه دهد. این دسته از مفسران می‌خواهند از سنت‌های تاریخی، تحولات آینده را پیش‌بینی کنند و به ارایه راه حلی بپردازد که از متن تفسیر اجتماعی استنباط می‌کنند و آنچه مطابق فرهنگ و تعالیم قرآنی می‌یابند، ارایه دهند.

البته راه‌حل‌های آنان یک جنبه ندارد، بلکه در مسائل مختلف اعتقادی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و حقوقی، صبغه اجتماعی نیز دارد. بنابراین، مفسر اجتماعی همانند یک نظریه‌پرداز جامعه‌شناس و فیلسوف تاریخ عمل می‌کند که با تحلیل و ارزیابی مسائل علمی به دنبال ارایه نظریه‌های اجتماعی قرآنی و در پی کشف قوانین و سنت‌های اجتماعی است؛ از این‌رو، نقش مفسر نقش جامعه‌شناسان و مفسران قوانین تاریخ با واریسی کتاب وحی و سنت دینی است.

د) مفسر اجتماعی بنابر این تعریف، همانند یک مفسر فردگرا عمل می‌کند. تنها تفاوتی که با مفسران پیشین دارد، در تحلیل و ارزیابی مسائل اجتماعی قرآن و رنگ اجتماعی دادن

به آن دسته از مفاهیم در جهت ارایه راه حل و در پی تشخیص بیماری و مشکلات جامعه با کشف قوانین است؛ از این رو، نقش مفسر، از سویی مانند یک متکلم اجتماعی و مدافع ارزش‌های ارایه شده دینی است و از سوی دیگر، نقش مصلح اجتماعی را دارد که کاستی‌های جامعه را با مقایسه آموزه‌های قرآن ارزیابی می‌کند و در پی نشان دادن قوانین کلی برای ارایه راه حل آن است.

اما بر اساس تعریف دوم:

الف) مفسر اجتماعی، نوعی مفسر جامعه‌مدار است که تلاش می‌کند احکام اجتماعی قرآن را در تعالیم مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی و... استخراج کند و احیاناً با نظریه‌هایی که در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی مطرح شده، هماهنگی برقرار نماید.

ب) دانشمندان علوم اجتماعی با علوم خود به سراغ تفسیر می‌روند؛ زیرا مفسر، فهم صحیح را از قرآن منوط به آگاهی از دانش‌های مربوط به انسان و روش‌های زندگی در حیات سالم جامعه بشری و بهره‌گیری از تجربیات آن امکان‌پذیر می‌داند؛ بدین روی، نظریه‌هایی را در زمینه مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی و کیفیت زندگی ارایه می‌دهد (ایازی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۳).

ج) ویژگی دیگر این روش، در توفیق جمع میان مسائل اسلام و قضایای علوم انسانی معاصر است. البته این ویژگی با ارایه ارزش‌های قرآنی در شکل اجتماعی ابعاد گوناگونی دارد؛ زیرا از یک سو، باید اندیشه‌های قرآنی با اوضاع و نیازهای عصر جدید و تحولات اجتماعی تطبیق شود و از دیگر سو، با توجه به شرایط و خصوصیات که مفسر در عصر خود شاهد آن است، راه‌حلی مشخص برای تحصیل سعادت و خوشبختی جامعه اسلامی به دست آید.

د) طبعاً مفسر در این گرایش از موضعی متعهدانه و مسئولانه به قضایای نظری و احکام جامعه اسلامی می‌نگرد و نگران تکرار حوادث پیشین از جمله ضعف‌ها، انحطاط‌ها، عقب‌ماندگی‌ها، مشکلات دیگر جوامع اسلامی (مانند استبداد، جهل، فقر) و بی‌هویتی و رواج فساد و گریز از دین است.

تفسیر اجتماعی در ایران

اندیشه اجتماعی در ایران چگونه پدید آمد و عوامل گرایش ساز آن چه بود؟ این پرسش برای هر قرآن‌پژوه نوگرایی در ایران مطرح است. شکی نیست که این گرایش در سراسر جهان اسلام در قرن چهاردهم با فراز و فرود، تندی و کندی و اختلاف شرایط به وجود آمد، اما در ایران اندکی شرایط متفاوت بود.

چنان‌که اشاره شد، نخستین بستر این جریان، مواجهه با فرهنگ غرب و خودآگاهی و درک و احساس عقب‌ماندگی مسلمانان پس از تماس با آنان بود. این تماس در منطقه شمال آفریقا از جمله کشور مصر که نزدیکی بیشتری با ملل اروپایی داشت، بیشتر بود؛ به همین دلیل، خودآگاهی و نهضت بیداری جهان اسلام در سده چهاردهم قمری با طرح بازگشت به قرآن از سوی مصلحانی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی از این منطقه آغاز شد. این صداها به گوش ایرانیان رسید و نوشته‌هایی از این دست، به ویژه سخنان شخصیتی آشنا همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی و شاگردش محمد عبده در تفسیر المنار در میان خواهندگان این جریان دست به دست می‌شد. از سوی دیگر، در ایران، کمونیسم و سوسیالیسم با تعرض به آموزه‌های اسلامی و نقد شرایط مسلمانان، زمینه جذب جوانان را به اردوگاه غیردینی سوق داده بود. نکته دیگر، رشد برق‌آسای دانش تجربی و کشف راز و رمز طبیعت و چگونگی به خدمت گرفتن آن در جهت آسایش انسان و رواج دموکراسی و آزادی بود. این مسئله به دلیل جذابیتی که داشت، این پرسش را در میان نسل جدید به وجود آورد که با این همه پیشرفت و پاسخ به پرسش‌های مجهول انسان، دست یافتن به رفاه و امکانات و تسهیل در زندگی، دیگر چه نیازی به دین و معنویت است؟

بدون شک، برخوردهای تکفیرگرایانه و سلبی جریان سنتی و طرح بدبینی و توطئه، پاسخگوی این پرسش‌ها و شبهات نبود. متفکران و نواندیشان مسلمان با دو مشکل مواجه بودند: در یک طرف، سنت‌گرایان بودند که هر گونه اندیشه اصلاحی را برنمی‌تابیدند. حتی با خرافات و صورت‌سازی‌های دینی به مثابه امر مقدس و تردیدناپذیر برخورد می‌کردند و عطش دینی را که پس از استبداد رضاخانی به وجود آمده بود، در جهت صحیحی سوق نمی‌دادند.

در طرف دیگر، روشنفکران غیر دینی بودند که تنها راه حل مشکلات ملل شرق را کنارگذاشتن دین می‌دانستند و از این فرصت برای تحقیر دین و آموزه‌هایش استفاده می‌بردند و از ابعاد مختلف، دین را در معرض تهاجم قرار می‌دادند و جوانان بسیاری را به سوی خود جذب می‌کردند.

در چنین موقعیتی، بهترین منبع اصلاح در نگرش و نشان دادن پویایی دین و ظرفیت‌پذیری قرآن، تفسیرهایی بود که بتواند پاسخگوی نیازهای فکری و دینی آنان شود. این امر، پاسخ به شبهات در باب عدالت، آزادی و حقوق انسان و نشان دادن علل عقب‌ماندگی و در نتیجه، کشانده شدن متفکران اسلامی به مباحث اجتماعی و اقتصادی در حوزه تفسیر در پی داشت. کوشش‌های اندیشمندان اسلامی در خارج کردن پرچم مبارزه و اصلاح از انحصار تکفیرگرایان و جریان سلبی، زمینه را فراهم کرد تا ویژگی‌های منحصر به فرد اسلام در بُعد اجتماعی، فرهنگ مبارزه، جهاد و نیز پاسخ‌گویی این دین الهی به نیازها در بُعد اقتصادی، علمی و حقوقی برجسته گردد و دیدگاه‌های جدیدی مدنظر اندیشمندان و مفسران قرار گیرد.

این جریان در تلاش فراوان برای نگارش و ارائه تفسیرهای جدید قرآنی برای مخاطبانی بود که با نوفهمی‌هایی از این کتاب، تلاش می‌کردند اولاً اصول فکری، زندگی اجتماعی و سیاسی - فرهنگی خود را بر اساس قرآن تنظیم کنند. ثانیاً ایمان، شوق و حیات تازه‌ای به جامعه دینی بدهند. این نهضت جدید تفسیری، بر آن بود تا آموزه‌های دینی را در متن زندگی مردم قرار دهد و با آنچه باعث انحطاط و عقب‌ماندگی آنان شده بود، مبارزه نماید (نفیسی، عقل‌گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، ۷۷).

شرایط و مختصات مفسر اجتماعی

تفسیر اجتماعی به مفسر و دانسته‌ها و بینش او وابسته است؛ از این‌رو، در تحلیل ویژگی‌های این گرایش، باید به شخصیت مفسر و آنچه برانگیزاننده تفسیر اجتماعی می‌شود، پرداخت.

۱. مفسر اجتماعی کسی است که باید با دغدغه‌های خاص ناظر به جامعه، به تبیین مفاهیم و نظریه‌های قرآنی پردازد؛ از این رو، تا حدی رابطه‌ای میان متن و بیرون برقرار می‌کند؛ زیرا با کاوش‌های خردگرایانه به تحلیل و ارزیابی مسائل دینی و عینی جامعه می‌پردازد و در سایه کند و کاوهای عقلی و برهانی، نگرش خاصی برای او حاصل می‌گردد. طبعاً چنین کسی نمی‌تواند اندیشه ظاهری و سلفی یا به عبارتی، اخباری‌گری داشته باشد. مفسر اجتماعی باید اخبار و روایات را ابزار کار خود قرار دهد، اما به آنها اکتفا نکند.
 ۲. مفسر اجتماعی باید به مسائل اجتماعی و تحولات آن آگاه باشد. از بیرون، تحولات اجتماعی و شرایط مسلمانان را زیر نظر داشته باشد و برخوردار از اندیشه اصلاحی و اجتماع‌گرایانه باشد، نیازهای جامعه را درک کند و بداند که هم‌اکنون چه مشکلاتی گریبان‌گیر جامعه است.
 ۳. مفسر اجتماعی باید از شبهات و اشکالات مخالفان و تعارض‌خوانی‌های علم‌مداران و روشن‌فکران لائیک و سکولار و شبهات مستشرقان و کلامیان جدید آگاه باشد و با احاطه بر این گونه مسائل به تفسیر پردازد.
 ۴. مفسر اجتماعی کسی است که برای تطبیق نص با اوضاع، احوال و نیازهای عصر جدید بکوشد. هم و غم و غم چنین مفسری، باید ایجاد ارتباط میان آیات الهی و موقعیت اجتماعی، تمدن و تحولات روز باشد (ر.ک: ایازی، اندیشه‌های اجتماعی در تفسیر المیزان، مجله بینات، ش ۳۴، ص ۷۶-۷۴).
- همچنین مفسران این جریان بر این اصل اساسی اتفاق نظر دارند که قرآن کتاب هدایت است و بایسته این هدایت‌گری آن است که تفسیر به سمت نزدیک ساختن پیام‌های قرآن با واقعیت‌ها و عینیت‌بخشیدن به مفاهیم هدایتی و اصلاحی جامعه پیش برود؛ از این رو، تکیه بر پیوند قرآن و واقعیت‌های محسوس زندگی بشر، نقطه مشترک همه این تفاسیر است (ایازی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ۱۲۲-۱۲۰).

مبانی تفسیر اجتماعی

منظور از مبانی، اصولی است که بر اساس آن اصول و پیش‌فرض‌هایش از پیام‌های قرآن پرده‌برداری انجام می‌گیرد. این مبانی همچون اصول نظری تفسیر اجتماعی به صورت مستقل در هیچ یک از این تفاسیر نیامده است و در شیوه تفسیری کم‌تر مفسری یافت می‌شود که به صورت شفاف، این مبانی را بیان نموده و اصول نظری خود را منقح کرده باشد. به هر حال، با بررسی اصول، قوانین، احکام و مسائل اجتماعی این دسته از تفاسیر، مبانی تفسیر اجتماعی به قرار ذیل به دست می‌آید:

۱. قرآن، کتاب هدایت در همه ابعاد

مفسران درباره این اصل تردیدی ندارند، اما آنچه مایه دگرگونی در پیش‌فرض مفسران اجتماعی شد، این اصل است که این کتاب به همه ابعاد و نیازهای فردی و اجتماعی پرداخته و چیزی را فروگذاری نکرده و در بیان معارف انسانی، از جمله مسائل اجتماعی کوتاهی نداشته است.

اگر قرآن به بهترین روش‌ها و مستقیم‌ترین راه‌ها هدایت می‌کند (اسراء/۱۷)، این هدایت در همه نیازهایی است که به معنویت انسان ارتباط مستقیم دارد. اگر نگاه قرآن تنها از زاویه فردی باشد و کاری به حیات اجتماعی و آثار جامعه نداشته باشد، گویی از مسائل مهم زندگی انسان غفلت ورزیده و بخشی از نیازهای هدایتی را نادیده گرفته است. در حالی که قرآن درباره حقوق خانواده، مصونیت اجتماعی، اخلاق جنسی و آسیب‌های اجتماعی همچون ناامنی جنسی، بی‌عدالتی، آزادی و حقوق انسانی سخن گفته است و راه‌هایی را پیشنهاد کرده که نیاز به تفسیر و تحلیل اجتماعی دارد؛ زیرا قرآن کتاب برنامه‌ای عملی و راهنمای حرکات اساسی فرد و جامعه است.

۲. اجتماعی بودن تعالیم اسلام

یکی دیگر از مبانی اندیشه تفسیر اجتماعی، پذیرفتن این اصل است که آموزه‌های قرآنی نه تنها ناظر به حیات فردی و اجتماعی است، بلکه بدون اصلاح اجتماعی، اصلاح

فردی به خوبی به سامان نمی‌رسد. اسلام دینی است که تنها به فرد و نیازهایش نمی‌پردازد و در دایره تکلیف فردی محدود نمی‌شود، اما آموزه‌هایش به گونه‌ای است که پیوند عمیقی با حیات و کیان اجتماعی دارد و در هیچ شأنی از شئون مهم اجتماعی انسان ساکت نیست. برای تمامی مسائلی که به نوعی چالش‌های اساسی اجتماعی محسوب می‌شوند، طرح و برنامه کلان و بیان عمومی دارد. از سوی دیگر، اصل اجتماعی بودن انسان امری مسلم است. حال چگونه است که به حیات اجتماعی انسان توجه داشته باشد و رهنمودی در این حوزه ارائه نداده باشد؟ برای نمونه، آموزه‌هایی مانند امر به معروف و نهی از منکر، اصل تعاون، مبارزه با فقر و ستم و اهتمام برای برقراری عدالت از امور اجتماعی است که در قرآن به آن عنایت شده است. از آسیب‌های اجتماعی همچون فساد، فحشا، رشوه‌خواری (بقره/۱۸۸)، ظلم به مخالفان (مائده/۸) و اقلیت‌ها (ممتحنه/۷) در شکل گسترده آن سخن گفته است. برای نمونه، علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۰۰ سوره آل‌عمران به بحث هویت و شخصیت مستقل برای اجتماعی در اسلام قائل شده و به این موضوع پرداخته است.

۳. تفسیر عصری

یکی از مبانی مهم در تفسیر اجتماعی، پذیرفتن این اصل است که تفسیر امروز باید با تفاسیر گذشته تفاوت داشته باشد و مفسر امروز باید به پرکردن فاصله میان عصر نزول قرآن و عصر تفسیر پردازد؛ زیرا مردم از فضایی که قرآن در آن نازل شده، بسیار فاصله گرفته‌اند و از آگاهی‌های لازم که نشان دهد چه مسائل و مشکلاتی موجب بیان این امور گردیده، برخوردار نیستند؛ از این رو، مفسر باید مردم را از این گونه مسائل باخبر سازد. بدبختی نیز مخاطبان از اهداف و اموری که قرآن برای آنها نازل گردیده، دور شده‌اند، مفاهیم و حقایق آن به تدریج از ذهن‌هایشان محو و اصطلاحات قرآنی در نزدشان دگرگون شده است؛ به عبارت دیگر، فاصله زمانی از عصر نزول سبب شده تا فضای زندگی مسلمانان و تلقی آنان از هدف نزول قرآن و التزام عملی به آن، به تدریج دگرگون گشته و در پی آن، مسلمانان امروزی از فهم معنای عینی قرآن فاصله پیدا کنند.

در تفسیر متون مقدس، مهم‌ترین هدف که در فرایند فهم و تفسیر متون می‌تواند غایت نیز باشد، پر کردن فاصله و نشان دادن نظم و انسجام سخن، متناسب با نیاز انسان معاصر است. تفسیر متن مقدس از آن روی به زبان معاصر گام برمی‌دارد تا با پرکردن این فاصله، شکاف ادبیات و سطح مفاهمه و تلقی‌های متفاوت را پُر کند؛ یعنی بیان محتوای آن به زبانی که برای مردم امروز قابل فهم، عینی و ملموس شود، آن‌گونه که برای مخاطبان آن عصر چنین بود؛ زیرا بسیاری از فرازهای متون مقدس برای مردمی که در فضای عصر نزول زندگی نمی‌کنند، دشوار و غیرقابل حل است، مگر در صورت تفسیر، آن هم نه تفسیر واژه‌ها، بلکه پرده‌برداری و انتقال معانی از افق فهم عصر پیدایش متن به افق فهم معاصر با هدف تبیین موارد ابهام پدید آمده از ناحیه فاصله دو افق تاریخی. این همان تفسیر عصری و اجتماعی است. در تفسیر قرآن مجید برای مفسر اجتماعی چنین حرکتی بایسته به نظر می‌رسد تا موارد ابهام پدید آمده از ناحیه فاصله دو افق تاریخی را روشن کند و محتوای قرآن را به زبانی که برای مردم امروز قابل فهم، عینی و ملموس باشد، آن‌گونه که برای مخاطبان آن عصر چنین بوده، ارائه دهد.

۴. توجه به تجربه‌های بشری در فهم نص

قرآن کریم عموماً تجربه‌های اجتماعی بشری را برای جامعه اسلامی بیان کرده است؛ زیرا هدف قرآن از بیان تجربه‌های (عملی) انسان درباره «روان» و واقعیت‌های زندگی فرد و جامعه این است تا جامعه اسلامی از این ذخایر متنوع در زندگی خود بهره‌برداری کند. به همین دلیل، مفسر اجتماعی در پی آن است که این نکات را آشکار سازد؛ به ویژه تجربه تاریخی و داستان‌های بشر درباره «ایمان» و «اعتقاد به آخرت» را از زبان پیامبران از آدم تا خاتم مد نظر دارد؛ زیرا می‌خواهد جامعه اسلامی را به معنای درست آن، ایجاد و تربیت کند و آن را همچون توشه‌ای برای همه نسل‌ها در جامعه اسلامی تقدیم کند. چنان‌که برخی از مفسران این تجربه اجتماعی را از برخی مفسران تاریخی برگرفته و به آن استشهاد

می‌کند، به گونه‌ای که می‌گویند: اولین کسی که این روش توجه به بُعد اجتماعی حوادث تاریخی را باب کرد، اگوست کنت فرانسوی (متوفای ۱۸۵۷م) بوده است.

بر این مبنا، نمونه‌ای از این تجربه‌ها بازگو می‌شود:

الف) هدف قرآن دگرگون کردن انسان و جامعه و هدایت وی به سمت تلاش و حرکت و راه راست است. تبیین کارکرد دین در زندگی اجتماعی و نشان دادن ضرورت دین با استفاده از آیات، روایات و مباحث عقلی، از مبانی و لوازم اندیشه اجتماعی است. همچنین دفاع از باورهای اعتقادی و قوانین کیفری و حقوقی و ارائه راهبردهای اخلاقی - تربیتی برای دستیابی به اصلاحات اجتماعی و تبیین نقش بنیادی پروای اخلاقی در اصلاحات اجتماعی از اهداف قرآن از بازگو کردن تجربه‌هاست.

ب) اصلاح دینی، اصلاح انسانی، اجتماعی و سیاسی، یکی از پایه‌های دعوت پیامبران است. حتی اصلاح نظام جنگی و جلوگیری از مفسدات آن، اصلاح نظام مالی و اقتصادی، تأمین حقوق انسانی، دینی و مدنی زمان، تأمین راه‌های آزادی بردگان، بیان احکام سیاسی، انواع حکومت، از مبانی و اصول دعوت پیامبران و بیان آن از امور نبوت، رسالت و وظایف انبیاست. ج) نیازهای جامعه دینی: یکی از هدف‌های مهم قرآن، تأمین سعادت دنیوی همه افراد جامعه در کنار راهنمایی آنان به سعادت اخروی است. از نظر این گرایش، تفسیری که به نیازهای جامعه دینی توجه نداشته باشد و راه حلی برای مسلمانان پیشنهاد ندهد، تفسیر جامع قرآن نیست.

د) تشویق مسلمانان به وحدت و یکپارچگی و ارائه طرح‌های عملی برای تحقق اتحاد اسلامی و عینیت آن و یادکرد بازدارنده‌ها و مشکلات موجود بر سر راه وحدت عملی مسلمانان از دیگر اهداف قرآن در یادکرد تجربه‌هاست.

ه) مبارزه با تمرکز قدرت در جوامع یکی از مشکلات اجتماعی و گسترش استبداد، بی‌توجهی به این تجربه است که در گذر زمان به نام اسلام در جوامع اسلامی حکومت‌هایی به قدرت رسیده‌اند که از دین مایه گذاشته و چه آسیب‌هایی به دین و معنویت وارد ساخته‌اند. مفسر اجتماعی چون معتقد به جامعیت قرآن است، می‌اندیشد که راه فرار از این

مشکل چیست و چه راه‌حلهایی از متن قرآن می‌توان استخراج کرد. این بحث، یکی از نمونه‌های تأثیر آگاهی از تجربه بشری در فهم و تفسیر اجتماعی آیاتی است که به عدالت و آزادی پرداخته است.

۵. پاسخگویی قرآن به همه نیازهای اجتماعی بشر

این اندیشه مبتنی بر این واقعیت بود که قرآن نمی‌تواند خاستگاه‌های اصیل انسانی را نادیده بگیرد و مقوله‌های پیشرفت، بهره‌برداری از نعمت‌ها، لذت‌ها، تفریح و شادی را برای انسان ضروری نشمارد؛ از این‌رو، برخی مصلحان و روشن‌فکران دینی، آن دسته از تفسیرهای دینی را که مستلزم حذف بخشی از خاستگاه‌های اصیل انسانی بود، نوعی تحریف دین می‌دانستند. ایشان تفسیری از زهد، اعراض از دنیا و سرکوب نفس را که به تضییق، کناره‌گیری و سخت‌گیری بر نفس منجر شود یا جامعه را به سوی آن رهنمود دهد، برخلاف آموزه‌های محکم قرآن می‌دانستند؛ از این‌رو، توسعه - از جمله توسعه اقتصادی و صنعتی - با تفسیری که از مفاهیم یاد شده به دست می‌آید، ارتباط وثیقی دارد.

۶. انسجام و وحدت در پیام

یکی از مبانی تفسیر اجتماعی که در دوره معاصر به آن بهای لازم داده شده، نگرش به یکپارچگی، وحدت محتوایی و مضمونی پیام‌های قرآن است. این وحدت یا ریشه در عدم اختلاف میان آیات دارد، آن‌گونه که در آیه ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء/۸۲)؛ «و آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند؟ و اگر (بر فرض) از طرف غیر خدا بود، حتماً در آن اختلاف فراوانی می‌یافتند.» آمده و در دوره معاصر در بحث اعجاز به آن اشاره می‌شود یا ریشه در چهره پیوسته قرآن در نظم آیات و سوره‌ها دارد که به لحاظ مضمونی و ساختاری از انسجام و یکپارچگی برخوردار است؛ از این‌رو، مفسر اجتماعی تلاش می‌کند این پیام‌های نظام‌واره را در تفسیر خود نشان دهد؛ زیرا اگر چنین وحدتی به اثبات نرسد، کشف پیام‌های اجتماعی نیز ناممکن خواهد بود. (ایازی، گرایش اجتماعی در تفاسیر معاصر قرآن مجید، ۱۲۹-۱۲۲).

نتیجه

با توجه به آنچه از مباحث نظری و نمونه‌های تفسیری بیان شد، این نتیجه به دست می‌آید که اندیشه اجتماعی واقعیتی تفسیری است که در سده اخیر شکل گرفته و پیش از این در میان تفاسیر سابقه نداشته است. هدف این نهضت جدید تفسیری، از یک سو، آن بوده که آموزه‌های اجتماعی دین را در متن زندگی مردم قرار دهد و با برجسته کردن پیام‌ها و احکام آن، راه حیات جدیدی را در پیش روی مسلمانان قرار دهد و از سوی دیگر، با آنچه باعث انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان گشته، مبارزه کند. ویژگی مهم این گرایش، ایجاد تحول در تفسیر قرآن از فردگرایی به جمع‌اندیشی و تحلیل سرنوشت کلی جامعه است. هرچند این گرایش موجب پیدایش گرایش‌های دیگری نیز شده و بازگشت بیشتر به قرآن را فراهم کرده، دچار آسیب‌هایی هم است که توجه و اهتمام پژوهشگران و مفسران را به آنها می‌طلبد.

منابع

۱. آقایی، محمد رضا، روش‌شناسی تفسیر اجتماعی قرآن، دو فصلنامه قرآن و علم، ش ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۸ ش.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، دفتر انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۳. ایازی، سید محمد علی، «اندیشه‌های اجتماعی در تفسیر المیزان»؛ مجله بینات، ش ۳۴، تابستان ۱۳۸۱ ش.
۴. _____، «گرایش اجتماعی در تفاسیر معاصر قرآن مجید»، دو فصلنامه تخصصی الاهیات اجتماعی، سال دوم، ش ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۹ ش.
۵. _____، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، سازمان چاپ وزارت ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
۶. خرمشاهی، بهاء‌الدین، تفسیر و تفاسیر جدید، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۷. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۱)، قم، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۷ ش.
۸. _____، منطق تفسیر قرآن (۲)، قم، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۷ ش.
۹. زمانی، محمد حسن، مستشرقان و قرآن، قم، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. مؤدب، سید رضا، مبانی تفسیر قرآن، قم، انتشارات دانشگاه، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱ ش.
۱۲. نفیسی، شادی، عقل‌گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۹ ش.